

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"

۱۶ اگست ۲۰۱۷



اندیشه، آرمان و تجدید میثاق

۲

ادعا قیمت ندارد جز به میدان عمل

پهلوان خارج از میدان نمی ارزد به هیچ

۳ - اخلاق و اخلاق انقلابی:

واژه عربی اخلاق از ریشه خُلُق و به معنای رفتار، سجایا، سلوکیات و منش ها؛ در یک تعریف عام و کلی عبارت است از "مجموعه قوانین، رفتار و ارزش‌هایی که در یک جامعه به عنوان هنجار شناخته می‌شود." (دائرة المعارف - le Petit Larousse). معادل فرنگی اخلاق، واژه (Morale) است که از ریشه لاتینی (Moeurs) به معنای "آداب و رسوم"، مشتق شده است.

هر چند در یک جامعه هنجار هائی تحت عنوان اخلاقیات، در گستره جامعه برای همه باشندگان آن مطرح است، اما هنجار های اخلاقی در یک جامعه منقسم به ستمگر و ستمکش، پدیده ای کلی، مجرد و فراطبقاتی نیست. اخلاق مانند سائر اشکال شعور اجتماعی، برخاسته از هستی اجتماعی افراد جامعه است و با یک اندیشه، آرمان اجتماعی و منافع طبقاتی گره خورده است.

فریدریک انگلس اندیشمند و جامعه شناس مترقی المانی در اثر مشهورش « انتی دیورینگ»، تبیین جالب و آموزنده ای از "اخلاق" دارد بدین شرح: " کلیه تئوری های اخلاقی تا کنونی، سرانجام نتیجه شرایط اجتماعی - اقتصادی همان مرحله است. همان طوری که جامعه تا به امروز بر اساس تضاد طبقاتی در حرکت بوده؛ همان طور هم اخلاق، اخلاق طبقاتی بوده و یا تسلط و منافع طبقات حاکمه را توجیه کرده و یا این که هنگامی که طبقه تحت ستم به اندازه کافی قوی بوده، نارضایتی علیه این تسلط و منافع آینده زحمتکشانش را نمایندگی کرده است."

اخلاق خواص و کاخ نشینان چیزبست و اخلاق عوام و کوخ نشینان چیز دیگری. اخلاق خواص حاکم به مثابه یک عامل روبنائی در خدمت زیربنا - مناسبات تولیدی - بوده؛ سلطه و منافع طبقات حاکمه را توجیه کرده؛ مالکیت خصوصی، استثمار و ستم بر توده های زحمتکش را نورم نامیده و موقعیت ستمکشی و بهره دهی زحمتکشان را به هنجار می انگارد.

در مقابل، آنچه اخلاق انقلابی نامیده می شود، از منافع آئی و آئی ستمکشان و کوخ نشینان، از نیرو های مولده پیشرونده در برابر مناسبات تولیدی حاکم ارتجاعی دفاع نموده؛ در مقابل سلطه، حرص و منافع آزمندانۀ طبقات حاکمه ایستاده؛ استثمار و ستم بر توده های زحمتکش و موقعیت ستمکشی و بهره دهی زحمتکشان را نابهنجار انگاشته و خواهان تغییر و پایان بخشیدن به این موقعیت نابهنجار است.

اخلاق انقلابی به نوبه خود مجموعه ای از رفتار و کردار، سجایا، سلوکیات و منش های همبسته ای است که ضمن سیراب شدن از چشمه سار زلال اندیشه انقلابی، در خدمت تحقق آرمان انقلابی قرار دارد. یک فرد انقلابی سجایای نیکو و "خصال نیک خود را مرهون ایدئولوژی مترقی و کارکرد این ایدئولوژی در اخلاقیات و سلوکیات" خود است. «هو شی مینه» در نوشته ای تحت عنوان «اخلاق انقلابی» ارزیابی درخور توجهی از اخلاق انقلابی به دست می دهد. در این بررسی برش ها و فراز هائی از آن را در زیر می آوریم:

"انقلاب کردن و دگرگون ساختن جامعه کهن به جامعه نو امری بس افتخار آفرین و در عین حال نیز وظیفه ای بی نهایت سنگین و مبارزه ای بس پیچیده، دراز مدت و دشوار است. تنها رهروی توانا می تواند راهی دراز را با باری گران بر دوش درنوردد. یک انقلابی باید پای بستی محکم از اخلاق انقلابی داشته باشد تا بتواند وظیفه پرافتخار خود را به تمام انجام دهد. همه ما که زاده و پرورده جامعه کهن بوده ایم، در تفکر و عادات خویش بیش و کم اثرات آن جامعه را با خود حمل می کنیم. بدترین و مخاطره آمیز ترین نشانه جامعه دیرین فردگرایی است. فردگرایی نقطه مقابل اخلاق انقلابی است. خورد ترین اثر باقی مانده فردگرایی در اولین فرصت رشد می کند، فضائل انقلابی را بی اثر می نماید و مانع از آن می شود که ما با دل و جان برای آرمان انقلابی مبارزه کنیم. فردگرایی چیزی است سخت خدعه آمیز و غدار؛ به چالاکي فرد را به ورطه تباهی می کشد. همه می دانند که غلتیدن به سراشیب تباهی سهلتر است از بالندگی و ترقی. بی سبب نیست که فردگرایی سخت مخاطره آمیز است. برای زدودن اثرات ناخوشایند جامعه کهن و پروردن فضائل انقلابی باید به مداومت مطالعه کرد و خود را تربیت و اصلاح نمود تا برین پایه پیوسته ترقی کرد. در غیر این صورت واگشت می زنیم و پس می افتیم و عاقبت، جامعه رو به پیشرفت پذیرای مان نمی شود. مطلب این نیست که تنها با مدرسه رفتن و حضور در دوره های تعلیمی می توان مطالعه کرد و خویشتن را تربیت و اصلاح نمود، در هر فعالیت انقلابی می توان و باید چنین کرد."

"اشخاص آراسته به فضائل انقلابی نه از دشواری ها و مشقات بیمی به دل راه می دهند و نه از ناکامی ها هراسی دارند؛ نه مردد می شوند و نه گامی پس می گذارند. انقلابیون راستین برای مصالح حزب و انقلاب و طبقه و خلق و نوع بشر در ایثار منافع خاص خویش هیچ گاه تردید نمی کنند و اگر حتی لازم شود، جان خود را فداء می کنند. این است بیان بس روشن و دربرگیرنده از اخلاق انقلابی. اختصاص زندگی خود به امر مبارزه برای حزب و انقلاب این لازم ترین نکته است. سخت کوشی برای حزب، رعایت انضباط حزبی و اجراء خط و مشی های حزب؛ مقدم شمردن منافع حزب و زحمتکشان بر منافع فردی خود؛ خدمت به خلق از جان و دل؛ مبارزه فارغ از من خود برای حزب و مردم و نمونه بودن در هر مورد."

"اشخاص آراسته به فضائل انقلابی ساده و فروتن باقی می مانند و آماده اند با سختی های بیشتری رو به رو شوند. حتی به وقتی که با اوضاع دلخواه و کسب پیروزی ها مواجه می گردند، پیش از دیگران در غم کار اند و بعد از آن در اندیشه تمتع. در این فکر باید بود که وظائف خود را چگونه به نحو احسن انجام داد، نه این که چسان بزرگ ترین پاداش را از آن خود کرد. از لاف زنی در خصوص فراهم آورده های گذشته و ادعای امتیازات خاص یا تن سپاری به دیوانسالارگرایی (بوروکراتیسم) و تکبر و تباهی باید برحذر بود. این نیز بیانی از اخلاق انقلابی است." "اخلاق انقلابی، در هر وضعی، مبتنی است بر مبارزه قاطعانه علیه تمام دشمنان، حفظ هشیاری خود، آمادگی برای نبرد و اجتناب از تسلیم و کرنش." (هوشی مینه: در باره اخلاق انقلابی)

زنده یاد «قیوم رهبر» نیز در باره اخلاق و اخلاق انقلابی بررسی قابل عنایتی دارد. "رهبر" با تأکید علمی و جامعه شناسانه بر پایه مادی، کاراکتر طبقاتی و نسبیت تاریخی پدیده اخلاق به مثابه شکلی از روبنا و شعور اجتماعی، در مورد اخلاق انقلابی به گونه تطبیقی تحلیل روشنگرانه ای ارائه کرده است:

"اخلاق به عنوان جزئی از نظام ارزشی انسان در طی تاریخ طولانی بنا بر مصالح اجتماعی مردم - و به طور دقیق تر مصالح اجتماعی طبقه حاکم - به میان آمده و رشد و تکامل یافته است. هر طبقه ای برای خودش اخلاق خود را دارد و در جامعه با وجود طبقات متخاصم و متضاد، اخلاق نیز همان گونه است." "برای یک سازمان انقلابی - و یک حزب انقلابی - اخلاق انقلابی به چه مفهومی است و چگونه می تواند یک سازمان انقلابی خود را با اخلاق انقلابی و فضائل انقلابی مسلح گرداند؟"

- "اساسی ترین مسأله در اخلاق انقلابی این است که فرد همه هستی خود را در راه مردم، انقلاب و سازمان انقلابی خود وقف کند و آمادگی داشته باشد در تحت هر شرایطی زندگی خود را در خدمت مردم، پیشرفت انقلاب و استحکام سازمان قرار دهد."

- "کار شاق برای حزب و انقلاب، رعایت انضباط حزبی و اجرای بدون کم و کاست خط مشی حزب: این است دومین پایه اخلاق انقلابی."

- "یک انقلابی باید از جان و دل به خلق خدمت کند و در راه حزب و مردم از خود گذشتگی و فداکاری داشته باشد."

- "یک انقلابی باید در هر کار خوب، نمونه باشد. به خصوص این که در گرفتن امتیازات در صف آخر بایستد و در گرفتن مسئولیت پیشقراول باشد."

- "یک انقلابی باید صادق باشد و رُک و راست مسائل خود را در سازمان و با رفقاء مطرح نماید. کسانی که استعداد و زیرکی خود را برای فریب رفقای خود به کار می اندازند و از این بابت در دل هم مباحث می ورزند، بد اخلاق ترین عناصر در میان انقلابیون اند."

- "یک انقلابی باید متواضع و بردبار باشد. «کبر کمونیستی»، تفرعن، لاف زنی، دروغ گوئی علاوه بر این که عامل کودک خوی آن را در انظار کوچک و خوار می گرداند، محیط انقلابی را آلوده با «شاخ جنگی» های لومپنانه می سازد... تواضع انقلابی با تظاهر به تواضع انقلابی تفاوت زیاد دارد و باید ما بکوشیم این خصلت انقلابی را به طور واقعی و عمیق در وجود خود پرورش دهیم."

"این بود شمه ای از اخلاق انقلابی. ولی پایه اساسی ضربت خوردن اخلاق انقلابی در کجاست و چگونه می توان آن را رفع نمود؟"

- " پایه اصلی انحراف اخلاقی در یک سازمان انقلابی، اندویدوآلیسم (فردگرایی) است. اندویدوآلیسم و کلکتویسم نه تنها در ساحه فلسفی و سیاسی در مقابل هم قرار دارند، بلکه در ساحه اخلاقی نیز به مبارزه با همدیگر مشغول اند. اندویدوآلیست معتقد است که من هر گونه ارزش های انقلابی را می پذیرم، مشروط بر این که بر منافع «من» ضربت وارد نکند. همه ارزش های اخلاقی را برای دیگران می خواهند و در خُرده گیری در مورد آن ها چُست و چالاک اند، ولی در باره خود شان کسی نباید دهن باز کند. **آن ها حق دارند هر کس را انتقاد کنند و بد بگویند و حتی تهمت بزنند، ولی دیگران حق ندارند برای این «آقایان» جلسه انتقاد ترتیب بدهند. در غیر آن، از جلسه و حتی از سازمان می بُرند.**"

- " علت دیگر انحرافات اخلاقی، پائین بودن سطح تئوریک در سازمان است."

- " علت دیگر انحرافات اخلاقی، هجوم خرده بورژوازی با تمام اخلاقیات منحن آن در داخل یک سازمان انقلابی است. خرده بورژوازی و بورژوازی چه هنگامی که با ما همکاری دارند و چه وقتی که با ما به مبارزه مشغول اند، هم افراد و هم افکار خود را در بین ما شیوع می دهند و این یکی از پایه های اخلاق منحن «اندویدوآلیستی» است."

- " علت دیگر آن هم کمبود مبارزه ایدئولوژیک سالم و فقدان روحیه انتقاد و انتقاد از خود انقلابی در داخل یک سازمان است."

"... ارزش ها و نظام ارزشی، چنان چه در بحث اخلاق انقلابی گفتیم، تاریخی، طبقاتی و اجتماعی است و نمی تواند حقائق جاویدان را نمایندگی کند."

"او [مجید] خصال نیک خود را مرهون ایدئولوژی مترقی و کارکرد این ایدئولوژی در اخلاقیات و سلوکیات مجید است." " عیاری و جوانمردی بعضی عناصر اخلاق انقلابی را با خود حمل می کند، ولی در بسیار جا ها نمی تواند پاسخگوی نیازمندی های یک مبارزه علمی و قانونمند باشد." " رندی، نیرنگ بازی، لاف زنی، سفته بازی، چالاکي و در جان زدن، تحقیر دیگران، خودمرکزبینی، گذشت های غیراصولی، و سخت گیری های غیراصولی همگی از خصال لومپنیسم است که اکثراً در میان عیاران و جوانمردان نیز رخنه کرده و تقریباً جزء خصال آن ها شده است. در سازمان، افکار لومپنی در لباس جوانمردی و عیاری خود را در خودمرکز بینی، لاف زنی، تحقیر و کم زدن دیگران، بی ارزش ساختن حریف های سیاسی و شخصی، دام گستری و از چال و نیرنگ برای بدنام کردن و بی آبرو ساختن حریف استفاده کردن، بی اعتنائی به "دنیا و ما فیها" از جمله انقلاب و وظائف انقلابی، عدم احساس مسئولیت، تعصب نداشتن نسبت به [انحراف] از سازمان، انقلاب، ارزش ها و مقدمات سازمان، ارزش بیشتر دادن به رفاقت بازی های شخصی نسبت به روابط و علائق سازمانی و سائر اشکال... نشان می دهد."

" هر طبقه برای خود اخلاق خاص خود را دارد و در هر مرحله ای از تکامل اجتماع، اخلاق معین اخلاق انقلابی را نمایندگی می کند." "... ما باید به اخلاق انقلابی خود را ملبس بسازیم. ما باید زندگی خود را به سازمان و کار سازمانی وقف کنیم؛ سخت کوش باشیم و انضباط سازمان را مراعات کنیم؛ در اجرای دقیق خط مشی سازمان از همه بیشتر وسواس داشته باشیم؛ منافع سازمان، انقلاب و مردم خود را بر منافع خود، خانواده خود، خویشاوندان و دوستان شخصی خود مقدم بشمریم؛ به خلق خدمت کنیم و از جان و دل در خدمت مردم به پا خاسته خود باشیم؛ برای سازمان و مردم خود فداکار و از خودگذر باشیم و نمونه وار در هر کاری پیشقدم شویم؛ صداقت انقلابی و تواضع انقلابی را به عادت خود مبدل کنیم. فقط در این صورت است که می توانیم بگوئیم که ما به اخلاق سامانی ملبس هستیم، ما به اخلاق مجید

ملبس هستیم. کاکه گی، رفاقت بازی شخصی، کلان کاری های فئودالی و در آسمان راه رفتن، هیچ گونه مناسبیتی با اخلاق انقلابی و اخلاق مجید ندارد".

"...باید در صدد تصفیة وجدان و اخلاق خود شویم، زنگار افکار لومپنازه را از وجود خود کاملاً بشوئیم و به شیوه های انقلابی خود را به اخلاق جدید، اخلاق طبقه کارگر، اخلاق جامعه فردا آراسته کنیم. فقط در آن صورت است که ما پیروان واقعی مجید هستیم، فقط در آن صورت است که می توانیم بگوئیم که نسلی از انقلابیون بزرگ را به جامعه تقدیم کرده ایم". (زنده یاد قیوم رهبر: «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" در آئینه قندمای اندیشه و کردار رفیق مجید»)

این بود مختصر استنادات تئوریک بر پایه تأکیدات بزرگان انقلابی کشور و جهان در مورد اخلاق و اخلاق انقلابی جانباختگان انقلابی افغانستان که اکنون در مزار های بی نام و نشان خفته اند.

۴ - راه و رسم انقلابی:

از نگاه معنی مراد از اسم مرکب "راه و رسم"، عبارت است از آئین، روش، قاعده، قانون و ترکیبی از این ارزش ها. هرگاه این اسم با صفت "انقلابی" ترکیب شود، از آن "راه و رسم انقلابی" ساخته می شود. مراد از راه و رسم انقلابی، مجموعه ای از اصول فکری، خط سیاسی، روش های مبارزاتی، هنجار های رفتاری، آئین و موازین سازمانی و چشم انداز آرمانی انقلابی است. راه و رسم انقلابی پلی است که یک سر آن به اندیشه انقلابی و سر دیگر آن به دورنمای آرمانی وصل است. به بیان ساده و خلاصه، راه و رسم انقلابی عناصر اندیشه، سیاست، تشکیلات، شیوه ها و اشکال مبارزه و اهداف انقلابی را در خود جمع دارد.

مجید و سایر انقلابیون و مبارزان مردمی کشور ما از خود دارای راه و رسم انقلابی و مبارزاتی بودند و چنانی که در فوق بیان شد، این راه و رسم مبارزاتی آنان با اندیشه مترقی و آرمان انقلابی آنان پیوند ناگسستنی داشته است. مجید و دیگر انقلابیون کشور ما جامعه را تقسیم شده به ستمگر و ستمکش می دیدند و به تبع آن اندیشه را نیز یا مدافع ستمگر یا مدافع ستمکش می یافتند. آنان در مبارزه با ستمگر، اندیشه مدافع اکثریت ستمکش را در پیشاپیش صف ستمدیدگان درفش مبارزه ساخته، با روش ها و ابزار انقلابی وارد کارزار تغییر انقلابی جامعه به سوی آرمان ایجاد دنیای نوین عاری از ستم، استثمار، ارتجاع و امپریالیسم شدند. این است راه و رسم انقلابی پیشگوتان انقلابی پاکبخته کشور ما و در پیشاپیش شان زنده یاد مجید. این است جوهر مسأله در مورد ماهیت "راه و رسم انقلابی" مجید و همزمانش، انقلابیون و مبارزان راه آزادی کشور! در این مسأله جای هیچ گونه ابهام، تردید و تحریفی باقی نیست. در مقابل هر مدعی وفادار به این راه و رسم، غیر از این راه و رسم، راه دیگری گشوده نیست. طی طریقت سالک راه در هر طریقی غیر از این طریق، سرانجامش ره به ترکستان بردن و سرشکستگی است.

۵ - تجدید میثاق:

در روشنی توضیح مفاهیم و عناوین اندیشه، آرمان، اخلاق و راه و رسم انقلابی؛ به سهولت می توان تعریف و تبیینی از "تجدید میثاق" ارائه کرد. میثاق در لغت عهد و پیمان را گویند. تعهد و التزام نیز معنای عهد بستن، پیمان بستن، همراهی و ملزم بودن را می رساند. تجدید: یعنی نوکردن، تازه کردن، از سرگرفتن امری که تا بدان جا رسیده است. به همین سیاق، مفاهیم مترادف تجدید میثاق، تجدید پیمان و تجدید تعهد در مفهوم انقلابی آن؛ عبارت از تقویت، تمدید و ادامه قرار، عهد، پیمان و مسؤولیت ناگسسته تاکنونی در پرتو اندیشه انقلابی برای تحقق آرمان یا آرمان های مشترک

انقلابی یک جمع است. تجدید پیمان فقط آنگاه مطرح است که تا همان لحظه پیمانی عملاً وجود داشته باشد. معیار ایستادن بر سر پیمان و وفا به عهد، معیاری عملی بر پایه پراتیک ملموس مبارزاتی دیروز، امروز و فردای فرد یا افراد مدعی است و فقط با همین معیار محک می خورد و صحت و وسقم آن ارزش یابی می شود. تجدید میثاق در دنیای مبارزه و انقلاب حسب معمول در نقاط عطف و گرهگاه های زمانی مثل سالگرد های جاودانگی جانبازان انقلابی و آزادیخواه، سالگرد ایجاد احزاب و سازمان ها، نقطه عزیمت حرکت های معین مبارزاتی و انقلابی، هنگام وحدت نیرو ها در حزب، سازمان و دیگر نهاد های مبارزاتی، و یا در جلساتی مثل کنگره، کنفرانس و یا پلنوم های حزبی مطرح می شود. در این مناسبت های ویژه عناصر شرکت کننده انقلابی و مبارز به گونه جمعی بر سر وفا به عهد و ایستادن روی پیمانی که تا آن لحظه جاری است، سوگند مبارزاتی خورده و تجدید پیمان می کنند یا تازه پیمان می بندند.

اما کوره راه های دشوارگزر و سنگلاخی انقلاب از کوی و برزن هموار فرق دارد. طی طریق در راه ناهموار انقلاب - به ویژه در حالت جذر و یا شکست انقلاب - توأم با ریخت و پاش ها و پا پس کشیدن های فراوان است. کاروان انقلاب به پیش می تازد، ولی افرادی بنا بر دلالتی از کاروان عقب می مانند و نمی توانند کاروان را همراهی کرده و بر سر پیمان شان بایستند. تجدید میثاق یا پیمان (به مفهوم تمدید پیمان) برای افراد از کاروان مانده که بخواهند به کاروان پیشرونده بپیوندند، مطرح نیست. برای این دسته از افراد بستن پیمان مبارزاتی تازه، ادای سوگند در پیشگاه جانبازان انقلاب و توده های میلیونی خلق زحمتکش و رفتن بلادرنگ پای عمل انقلابی، مطرح و نیاز است. در زیر نمونه ای از سوگند انقلابی و بستن پیمان را از زبان مجید و ساما در اولین اعلامیه وجودی ساما مؤرخ سرطان ۱۳۵۸ ش، می آوریم:

**" سازمان آزادیبخش مردم افغانستان(ساما) سوگند یاد می کند که تا نابودی نهائی
استعمار، ستم و بهره کشی سلاح رزم خود را بر زمین نهد."**

و یا در شینامه ساما با عنوان "فاجعه است یا حماسه؟"، مؤرخ بیست و نهم عقرب ۱۳۵۸ شمسی، مجید و همزمان سامائی اش خطاب به مادر میهن و در پیشگاه خلق تحت ستم کشور چنین سوگند مبارزاتی خورده و بر سر آن پیمان تا آخر ایستادند:

"مادر!

**به دامان پاک قهرمان پرور تو، به سینه های گلگون فرزندان شهید تو، به سنگر
های سرخ شهر ها و روستا های پایمال شده تو و به فریاد خشم انتقامجوی تو
سوگند یاد می کنیم که تا دامان میهن گرامی ما را از لوٹ استعمار و نجاست
رژیم مزدور آن پاک نسازیم، سلاح رزم خود را بر زمین ننهیم."**

آری! آن گونه که مجید و یاران باوفایش کردند، معیار ایستادن بر سر پیمان انقلابی: اتکاء به خلق، رزمیدن در میدان نبرد و وفاداری به اندیشه و آرمان انقلابی در نظر و عمل است. فقط این گونه عمل کردن، بستن میثاق و تمدید و تداوم آن؛ تجدید میثاق با انقلابیون و مبارزان خفته در گور های بی نشان انفرادی و یا گور های جمعی است.

۶ - معیار تعهد و التزام:

در قاموس انقلابی، تعهد و التزام؛ باورمندی، عهد بستن، پیمان بستن، وفا به عهد، تقبل مسؤلیت، همراهی، ملزم بودن به انجام امری و پیروی از قرار و مدار را، افاده می کند. برای آن که بدانیم فرد یا افراد مدعی بر سر این عهد و

بیمان و قول و قرار شان به گونه جدی اند یا نه، یگانه ملاک تشخیص؛ عمل دیروز، امروز و فردای آنان است. پراتیک یا عمل، ارزش یاب درستی و یا نادرستی یک تئوری و ادعا است.

"پراتیک معیار سنجش حقیقت است." برای سنجش و ارزش یابی هر تئوری یا ادعای برخاسته از یک پراتیک و یا من درآوردی، هیچ محک دیگری غیر از رفتن پای عمل، وجود ندارد. صحت و سقم هر تئوری و ادعا و محک زدن صدق و کذب مدعی نیز فقط با "معیار سنجش غش و ناب"، تمیز می شود.

زنده یاد داوود سرمد شاعر سرمدی انقلاب، هم‌رزم هم اندیش مجید و یکی از بانیان و شخصیت های کلیدی «ساما» اهمیت و ضرورت معیار سنجش حقیقت برای تمیز حقیقت از دروغ را با بیان زیبا و شیوای شاعرانه در بیتی این گونه مطرح کرده است:

نیست معیار سنجش غش و ناب گـر تمیز مس و طلائی نیست

دانشمند گرانمایه انقلابی زنده یاد «قیوم رهبر»، رهبر مدبر ساما، باری به مناسبت هفتمین یاددهانی از سالگرد جاودانگی مجید، مجموعه نظام فکری - سیاسی، حیطة عمل و چگونگی این عمل انقلابی همراه با رفتار های هنجاری و سلوکیات رفقای مجید را "چوب بستنی" نامید "برای استکشاف شخصیت" و تفکر مجید و هم "کوشش برای کشف خود و بازنمایاندن خود ما" که مجید برای ما ترسیم کرده بود. «رهبر» فرزانه می گوید:

"کوشش ما این بوده است که در این آئینه خود را ببینیم، سیمای خود را بنگریم و باری بر خود نظر بیندازیم و ببینیم که ما چه هستیم؟".

حال وقتی در این آئینه قدنما می نگریم، قامت شخصیت و تفکر خود را کج و معوج می یابیم، به گونه فردی و جمعی به استکشاف شخصیت خویش می رسیم و درمی یابیم که هر یکی از ما در کجا ایستاده است؟ تکلیف نخست ما این است که قامت فکری، کج اندیشی و کج روی خود را راست کرده، هنجار های انقلابی را در خویش پرورده، بر سرپیمان مانده، راه و رسم انقلابی را ارج گذاشته و در راه تحقق آرمان های تحقق نیافته بی تزلزل و استوار به پیش شتابیم. فقط در این صورت است که قادر خواهیم بود با وحدت نظر، "این موازیات بزرگ را محترم شمرده و در راه تحقق آن متحدانه عمل کنیم". فقط عمل متحدانه ما در پرتو اندیشه انقلابی جانبازان انقلابی در مسیرت رنگ گرفته با خون سرخ آنان با طرد هر گونه مظاهر انحراف در راه تحقق آرمان های شکوهمند و متعالی آن پیشکسوتان انقلابی، معیار جدی بودن و صداقت انقلابی ما بوده و عمل انقلابی یگانه معیاری است که مس و طلا را محک زده و مدعی صادق را از مدعی کاذب متمایز می سازد.

بناءً، در روشنی توضیحات بالا، آشکار می شود که معیار باور علمی، آگاهانه و عملی به اندیشه رهنمای مجید و سائر پیشتازان انقلاب کشور، پروردن اخلاق و سجایای انقلابی در خویشتن، وفاداری به راه و رسم و آرمان ناتمام آنان، تجدید میثاق در ادامه راه ناتمام آنان، ایستادن در مقابل انحراف از راه آنان، ایستادن در مقابل امپریالیسم و ارتجاع، ارج گذاشتن به ارثیه گرانبهای نظری و عملی آنان، حفظ و تکامل و برنده نگه داشتن سلاح مبارزاتی آنان، در اهتزاز نگه داشتن درفش مبارزاتی آنان، بلند کردن شعار های مبارزاتی آنان طبق شرایط مبارزه و سرانجام بی محابا و با تهور انقلابی خلاف جریان رفتن؛ در نظر و عمل است. این ها اند معیار های رفاقت با مجید؛ معیار جدیت انقلابی؛ معیار انسلاک با اندیشه، اخلاق، راه و رسم و آرمان مجید و سائر به گور خفتگان سرفراز انقلابی مردم و کشور.

ادامه دارد